



آشنایی با اصطلاحات حقوقی - سیاسی

سوم عرضه ی کالا پس از ثمن از طرف بایع ودر خواست فروش از طرف مشتری است.واخذ بالسوم یا قاعده ی ضمان مقبوض بالسوم عبارتست از اینکه کسی از دیگری مالی را بگیرد تا انرا ارزیابی و آزمایش کند و یا چند وقتی نزد خود نگه دارد تا از وضعیت ان آگاه شود و چنانچه پسندید انرا خریداری نماید والا انرا به صاحبش برگرداند.

الف) اصطلاحات حقوقی

1) اخذ بالسوم

سوم عرضه ی کالا پس از ثمن از طرف بایع ودر خواست فروش از طرف مشتری است.واخذ بالسوم یا قاعده ی ضمان مقبوض بالسوم عبارتست از اینکه کسی از دیگری مالی را بگیرد تا انرا ارزیابی و آزمایش کند و یا چند وقتی نزد خود نگه دارد تا از وضعیت ان آگاه شود و چنانچه پسندید انرا خریداری نماید والا انرا به صاحبش برگرداند.

2) ابراء مال یجب

ابراء عبارتست از اینکه دائن از حق خود باختر صرفنظر کند(م289ق.م)ومال یجب پدیده ی حقوقی است که هنوز موجور نشده است.بنابراین ابراء مالیم یجب بری نمودن ذمه کسی استکه هنوزدینی بر ذمه اش قرار نگرفته است که این امر صحیح نیست.زیرا ابراءیکی از اسباب سقوط تعهدات است و ان هم در صورتی است که حقی بر گردن کسی آمده باشد.بنابراینعنوان مثال مستاجر در ملک تجاری قبل از تحقق سر قفلی نمیتواند از حق خود نسبت به دریافت سرفتنی صرفنظر کند.

3) ضمان مال یجب

این نوع ضمان تعهد به مالی است که هنوز بر ذمه مستقر نشده است چنانچه کسی بگوید:اگر فرزند من در مدت اقامت در فلان جا خسارتی به غیر وارد کند من ضامن جبران خسارت هستم.که در صحت این نوع ضمان دیدگاهها مختلف است ولی بسیاری از فقها و علمای حقوقی با توجه به ایه ی 72 سوره ی مبارکه یوسف خالی از اشکال میدانند. تا انجا که حضرت می فرمایند:(ومن لمن به حمل بغیر و انا به زعیم))یعنی:برای کسی که جام ملک را(که مفقود شده)پیدا کند و بیاورد یکبار شتر طعام است و من ضامن ان هستم.

میتوان گفت جعاله و مزدگانی ضمان مالیم یجب هستند و ابرادی ندارند.همچنانکهدر صحت عقد اجاره اشکالی نیست زیرا در اجاره هم منافع عین مستاجر در حین عقد تحقق نیافته و عنوان ((مالیم یجب))به عنوان مذکور صادق است.

4) گاو بند

در قانون اصلاحات عرضی 40/10/19 کسی است که مالک زمین نیست و با داشتن یک یا چند عامل زراعتی بوسیله ی بزرگ یا کارگر در زمین مالک زراعت می کند و مقداری محصولرا بصورت نقدی یا جنسی به مالک می دهد.

5) عقد الحاقی

عقد الحاقی(یا به قول عقد اذعانی(به نقل از عبدالقادر عوده جلد اول ص 83)که در حقوق جدید بیشتر متداول است تادر فقه)عقدی است که در ان یکی از طرفین عقد خصوصیات عوضین و شرایط عقد را یکجا پیش بینی(و در روی اوراق چاپی قبلاتهی می کند)و به طرف مقابل پیشنهاد می کند و طرف مقابل یا باید کلیه خصوصیات را بپذیرد و قرارداد را امضاء کند و یا از قرارداد صرفنظر نماید.موضوع این قراردادها معمولا انجام دادن خدمتی و یا رفع نیازمندیهای همگانی است مثل عقود بیمه ی قرارداد کار در موسسات بزرگ تجاری و صنعتی و دولتی قرارداد حمل و نقل زمینی و دریایی وعقودی که مشترکین با شرکت تلفن و اب و برق و گاز ومنعقد می سازند

6) قاعده ی سد ذرایع:

سد یعنی جلوگیری و ذریعه به معنای وسیله است و منظور از این قاعده این است که کارهای مباح وحلالی که وسیله انجام عمل حرامی قرار گیرند حرام وممنوع می شوند.مثل فروش انگور به کسیکه با آن شراب می سازد ف که فروع و مسائل مربوط به این مطلب در فقه امامیه تحت عنوان (تعاون بر اثم و عدوان) آمده است .

7- قاعده جب :

جب در لغت به معنای قطع است و این قاعده یکی از منابع قاعده عطف به ماسبق نشدن قولنین جزایی است که از مفاد آیات متعددی (مانند : عنا الله عما سلب : مائده 95 و ((ماکننا معذبین حتی منبعث رسولا : اسری 15 نیز آیات 27 و 28 نساء، 3 انفال و 225 بقره و...) و نیز از قائده قبح عقاب بلا بیان) و ((اصله الاباحه)) بدست می آید که به موجب این قاعده خداوند کریم از گناهان و جرایمی که افراد قبل از تشرف به دین اسلام (در زمان جاهلیت) ترکیب شده اند به جز حق الناس) چشم

پوشی می کند .

از رسول اکرم ص روايت شده است : الا سلام يجب ما قبله و التوبه يجب ما قبلها من الكفر و المعاصي و الذنوب يعني اگر كافري اسلام آورده و يا شخصي توبه كند اين امر باعث قطع اثار گذشته آن خواهد شد .

ب : اصطلاحات سياسي :

1-1 وتو

در لغت از واژه لاتيني به معنای منع و رد کردن ريشه گرفته ودر اصطلاح سياسي قدرتي است برای جلوگیری از یک عمل یا سياست از طريق رای منفي . بنابر این وتو یا حق وتو قدرت قانونی یک دستگاه مملکتی یا اعضای چنین دستگاهی است برای جلوگیری از عمل دستگاه ديگر یا اعضای آن .

این واژه در ارتباط با فعالیت های شورای امنیت سازمان ملل متحد مفهوم ویژه ای دارد . در این مورد وتو امتیازی است که به موجب آن هرگونه اتخاذ تصمیم مهمی که موافق با نظر یکی از اعضای دائمی شورای امنیت 5 عضو دائمی شورا : آمریکا انگلستان چین روسیه و فرانسه (نباشد غير ممکن می گردد .

به بیان ديگر موقع رای در شورای امنیت در مسائل مهم سياسي پنج عضو باید اتفاق رای داشته باشند وگرنه هریک از آنها می تواند با استفاده از رای منفي که وتو نامیده می شود از اجرای تصمیمات شورا جلوگیری کند .

2) توسعه ی سياسي :

توسعه ی سياسي افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سياسي است در حل و فصل تضاد های فردی و جمعی و تغییرات اساسی در یک جامعه توسعه سياسي با رشد دموکراسی مترادف است هر اندازه یک نظام سياسي از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری از سادگی به پیچیدگی از دنباله روی به خود مختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند ، به همان نسبت توسعه سياسي نیز در آن نظام افزایش می یابد .

توسعه سياسي با نوسازی سياسي تفاوت هایی دارد . نوسازی سياسي بیشتر به برقراری تجملات سياسي اشاره می کند در حالیکه توسعه سياسي بیشتر جنبه رفتاری ئ بنیادی دارد . به بیان ديگر در حالیکه نوسازی سياسي با جنبه های رونمایی توسعه سر و کار دارد توسعه سياسي با دگرگونی های زیر بنایی مرتبط است .

عوامل: کارایی تعقل عملی همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سياسي دانسته اند .

3- بنیاد گرایی :

جنبش در چار چوب یک دین یا آئین سياسي که گرایش به شکل اصلی و ارزش های اولیه آن دین یا آئین سياسي دارد بنیاد گرایی 2 اطلاق مثبت و منفي دارد مثبت آن اصولی بودن و تمسک به اصل است و کار برد منفي آن قشری گری و تمسک به ظواهر است .

اما بنیاد گرایی اسلامي اصول گرایی نهضتی است که به ارزش های اولیه اسلامي معتقد است و پیروزی و بهروزی کشور های اسلامي را در بازگشته به آن ارزشها می داند و نه از الگوی ک شور های غربی پیروی می کند و نه از الگوی کشور های شرقی این واژه معمولا از سوی رسانه های گروهی غربی برای اشاره به جنبش های اسلامي و احیا گری اسلامي اصول گرایی اسلامي رستاخیز اسلامي و یا بیداری اسلامي به کار رفته است .

احیا گری اسلامي به معنی بازگشت به اصول بی الایش اسلامي بازگشت به قرآن و سنت نبوی در سطوح مختلف فردی و جمعی است ویژگی های آن عبارت اند از پایگاه مردمی و سرعت انتشار آن در جوامع اسلامي که حتی در جوامع غير اسلامي از آن به جهاد یاد می شود .

4- حکومت اقلیت متنفسد :

اولیگارشی OLIGARCHY

حکومت سياسي و اقتصادی گروه های معدودی از ثروتمندان و به نوعی حکومتی که در آن گروهی اندک از استعمار گران و متنفسدین به سود خویش فرمانروای اکثریت مردم باشند گفته شده است و یا رژیم حکومتی به وسیله چند نفر معدود اداره شود و کلیه قدرت حکومت متمرکز در تعداد اقلیتی از افراد باشد الیگارشی مالی نیز به معنای سیادت و حاکمیت اقتصادی و سياسي گروه معدودی از سرمایه اران بزرگ مالی است که عملا مالک انحصارات صنعتی و بانکی هستند و کنترل رشته های اصلی اقتصاد را در دست خود متمرکز کرده اند .

محمد کنعانی کارشناس فرهنگیداره کل تبلیغات اسلامي استان آذربایجانشرقی-----

منابع :

ترمینولوژی حقوقی دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی شرح مختصر اصطلاحات محمد علی آقایی - چاپ ولیعصر جزوه آموزشی اصطلاح سياسي - ویژه نامه پایگاه مقاومت شهید رجایی دانشگاه آزاد اسلامي تبریز سوم خرداد 82